

# اقتصاد آب از دید بخش خصوصی\*

## رئیس‌ی:

و زهکشی، برنامه‌ریزی منابع آب و زهکشی است. تجربیات من در این حوزه‌ها است. به طور محدود، به خاطر علایق شخصی، در زمینه‌های اقتصاد فعالیت داشتم. در حال حاضر بیشتر توجه و علاقه من به تالاب است، تالابی که زمانی منفور بود و می‌خواستیم آنها زهکشی کنیم؛ ولی اکنون به نظرم یکی از بنیان‌های اساسی حیات هر کشوری است.

## کریمی‌پور:

محمدحسین کریمی‌پور هستم. تحصیلات من در رشته ساختمان است. تخصص ژئوتکنیک دارم. مدتی در شرکت‌های مختلف ساختمانی و پروژه‌ها فعال بودم. سپس به کشاورزی و صادرات محصولات کشاورزی پرداختم. دو دوره هم در اتاق ایران، رئیس کمیسیون کشاورزی و آب بودم که تأملاتی در دو برنامه ۵ ساله، در حقیقت قانون بودجه بخش آب با مجلس هم داشتم.

## آگاه:

فرهاد آگاه هستم، متولد سال ۵۶، فارغ‌التحصیل رشته مهندسی مکانیک. بعد از اتمام تحصیلاتم، نزدیک ۴ سال در کار صنعتی بودم. بعد از آن به فراخور سابقه خانوادگی وارد کار باغداری پسته و تجارت پسته شدم. در حال حاضر عضو هیئت مدیره انجمن پسته ایران و عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب ایران هستم. آشنایی من با مسئله آب از طریق تجربه‌ی باغداری پسته بوده، و سواد آکادمیک و علمی در زمینه اقتصاد و آب ندارم.

## رئیس‌ی:

اقتصاد جزو علوم انسانی است و طبیعتاً به میزان تفکر و برداشت‌های مختلف، امکان درک‌های مختلف از آن وجود دارد. پرسش نخست این است که وقتی صحبت از اقتصاد آب به میان می‌آید، چه مفاهیمی به ذهن شما متبادر می‌شود و از چه صحبت خواهید کرد؟

## لطفی:

به نظر من اقتصاد آب، دانش و هنری است که برای استفاده از منابع آب در جهت تأمین نیازها به کار برده می‌شود. نیازها می‌تواند مربوط به انسان، گیاه، طبیعت، صنعت، و هر چیز دیگری باشد. البته هر چیزی که کم باشد، وارد حیطه بحث

اولین جلسه از مجموعه گفت و گوهای فیل در تاریکی را آغاز می‌کنیم. در این مجموعه گفت و گوها سعی داریم درباره ابعاد مختلف مفهوم اقتصاد آب صحبت کنیم. چه کمبود آب به دلایل فیزیکی باشد و چه به علت دلایل اقتصادی، به این معنا که نتوانیم از نظر اقتصادی منابع آب دسترس را برای تأمین نیازها به کار بگیریم. وقتی کمیابی مطرح می‌شود، امکان پا به عرصه گذاشتن اقتصاد که اصولاً علم کمیابی است ممکن می‌شود. شاید اقتصاد آب با این مفهومی که امروز می‌شناسیم، بعد از کنفرانس دوبلین وارد ادبیات اقتصادی شد، و بیش از ۳۰-۴۰ سال از آن نمی‌گذرد، و آب را کالای اقتصادی در مصارف رقیب می‌داند. به این معنا نیست که آب در قلمرو نیازهای اساسی انسان، یک کالای اقتصادی است. در طول تاریخ، اقتصاد آب در زندگی بشر نقش مهمی داشته است. آب به عنوان یک نهاده مهم، همواره در مصارف رقیب مطرح بوده است. در سال‌های اخیر که آب کمتر شده است، مباحث اقتصادی مربوط به آب هم گسترش پیدا کرد. اندیشکده تدبیر آب قصد دارد موضوع اقتصاد آب، و ابعاد مختلف آن را به بحث و گفت و گو بگذارد. با شناسایی این ابعاد، می‌توانیم تصویر بهتری از وضعیت اقتصاد آب داشته باشیم. بخش خصوصی، بخش دولتی، دانشگاهیان و مردم به عنوان مصرف‌کنندگان نهایی آب نگاه‌های مختلفی نسبت به موضوع اقتصاد آب دارند. در این گفت و گوها سعی داریم نگاه‌های مختلف را بشناسیم و با کنار هم قراردادن آنها بتوانیم به دریافت و درک بهتری از مفهوم اقتصاد آب و ابعاد آن برسیم. در جلسه امروز، آقایان احمد لطفی، محمدحسین کریمی‌پور و فرهاد آگاه نظرات خود را درباره اقتصاد آب مطرح می‌کنند. گفت و گورا با معرفی این دوستان آغاز می‌کنیم.

## لطفی:

احمد لطفی هستم، متولد ۱۳۲۴ و فارغ‌التحصیل دانشکده کرج. از ابتدای شروع به کار، در بخش خصوصی و در مهندسان مشاور بودم. یاد ندارم که در بخش دولتی کار کرده باشم. بیشتر کار حرفه‌ای مهندسی مشاور، طراحی شبکه آبیاری

\* متن پیاده‌شده نشست «فیل در تاریکی، جستاری درباره مفهوم اقتصاد آب و ابعاد آن». این نشست در مرداد ۱۴۰۱ برگزار گردید.

اقتصاد می‌شود. ما مدت‌ها است با کمبود آب روبرو هستیم و بنابراین آب یک مقوله خیلی خیلی خیلی اقتصادی است، ولی نه صرفاً اقتصادی. بحث‌های مدیریتی، اجتماعی، فرهنگی و سنتی، آنچنان در بحث مصرف آب، بهره‌برداری از آب، آنچنان نقش ایفا می‌کنند که اگر بخواهیم وارد بحث اقتصاد بشویم، نمی‌توانیم وارد این مقولات نشویم. یک مثال می‌زنم. ما در دهه ۸۰ یک خشکسالی خیلی خیلی شدید داشتیم که البته هنوز هم ادامه دارد. ولی آن واقعاً یک فاجعه‌ای بود. در خوزستان در سال‌های معمول در تابستان برنج کشت می‌شد. در آن خشکسالی دولت بعد از یکی دو سال مقاومت کشاورزان تصمیم گرفت کشت برنج را محدود کند، و در عمل هم خیلی محدود شد. اواخر دهه ۸۰ یکسال پر آبی شد. دولت یکدفعه به هیجان آمد و کشت برنج را آزاد کرد. از آن زمان به بعد دیگر کسی حریف برنج‌کاران نشد. این مسئله را در اقتصاد آب چگونه می‌توانیم تحلیل کنیم؟ از این نمونه‌ها زیاد داریم.

### گریمی‌پور:

وقتی می‌گوئیم اقتصاد آب، آن طور که من می‌فهمم، یعنی نگاه به آب به عنوان نهاده تولیدکننده ارزش افزوده، و اینکه چه چیزهایی به ذهن می‌آید، هر چیزی که وقتی اقتصاد و تولید ارزش مطرح می‌شود، مانند بهره‌وری، بازار، تعادل، ارزش، کمیابی و رقابت. با توجه به وضعیت خاص کشور، وقتی می‌خواهیم درباره اقتصاد آب صحبت کنیم خیلی پر رنگ است، تأثیر بالادستی و بسیار پر رنگ حاکمیت بر مسئله اقتصاد آب است. آب در کشوری مثل ایران به مسئله ماتریسی در بالادست حاکمیت است. وقتی از آب صحبت می‌کنیم، فوراً آیکون‌های خیلی بزرگی مانند کشاورزی، امنیت غذایی، امنیت شرب به ذهن می‌آید که در یک منطقه بیابانی می‌تواند معانی اجتماعی بسیار غلیظی داشته باشد. حاکمیت باید بسیار هنرمندانه اینها را با همدیگر به سمت توسعه و وضعیت مطلوب مدیریت کند. بحران مادر در کشور ما بحران حاکمیت است و همان طور که در عرصه‌های دیگر، کیفیت نه چندان مطلوب حاکمیت باعث شده است وضعیت نامناسبی حاکم شود، در موضوع آب و اقتصاد آب هم همین طور است. اینکه چرا وضعیت اقتصاد آب بحرانی است، یک پایه‌ای لازم دارد و اگر حاصل نشود، تلاش در خلأ و بنایی بر ریگ روان خواهد بود.

### آگاه:

در ابتدا بگویم که من با همین سواد کم اقتصادی، در این تجربه کوتاه، به گرایش اقتصاد بازار آزاد و به فرقه‌ای از اقتصاد آزاد که لیبرترین گفته می‌شوند اعتقاد پیدا کردم. در صحبت‌های مقدمه، نیازهای اساسی آب از اقتصاد آب جدا شد. گفته شد اقتصاد آب برای نیازهای مثلاً اقتصادی است و نیازهای اساسی بشر مثل نیاز شرب از مقوله اقتصاد آب شاید جدا باشد. در دیدگاه من، همان آب شرب شهری هم می‌تواند در چارچوب

بازار آب تأمین شود و نیازی نیست که این استثنا را برای بازار و اقتصاد بازار و اقتصاد آب قائل بشویم و آب شرب که مردم یک شهر نیاز دارند از چارچوب بازار خارج کنیم. همین استثنائات است که یکی یکی از علم اقتصاد خارج می‌شوند و دشواری‌هایی ایجاد می‌کنند؛ همان چیزایی که امروز مملکت با این مصلحت‌سنجی‌های غیر علمی دچارش شده است. مسئله آب آنقدر مسئله پیچیده‌ای است که حتی امروز ایالت کالیفرنیا هم که اگر یک کشور بود، شاید پیشرفته‌ترین کشور دنیا بود، با مسئله آب دست و پنجه نرم می‌کند و راه‌حل خوب وتر و تمیزی برای آن ندارد. آقای دکتر نیلی چند سال پیش اشاره کردند که مسئله مدیریت منابع آب یکی از ابرچالش‌های اقتصاد ایران است. مسئله‌ی اقتصاد آب هم بخشی از مشکل مدیریت منابع آب است. من مشکل مدیریت منابع آب را به دو بخش تقسیم می‌کنم. یک بخش، اضافه‌برداشت از منابع آب است که در تمام دنیا با آن مواجه هستند و بخش دوم، بهره‌وری آب است. بر اساس نظر شخصی خودم، اقتصاد پاسخ کامل دارد، ولی در موضوع اضافه‌برداشت از منابع آب، توقع زیادی است که فکر کنیم که علم اقتصاد چاره کامل برای آن دارد. علم اقتصاد بخشی از چاره مشکل اضافه‌برداشت هست، ولی حل مسئله اضافه‌برداشت از منابع آب خیلی مسئله پیچیده‌ای است: به خیلی از هنرهای دیگر مانند مدیریت، حکمرانی، علم حقوق، به پلیسی که برود کسی را که اضافه‌برداشت می‌کند دستگیر کند، قوه قضائیه و خیلی از موارد نیاز است.

### رئبسی:

بهبود تکنولوژیکی استفاده از آب چگونه می‌تواند در اقتصاد آب تأثیر بگذارد؟

### لطفی:

شبکه‌های آبیاری به عنوان ابزاری که آب را در اختیار زمین و کشاورز قرار می‌دهد، چندین دهه است که در کشور انجام می‌شود و ادامه پیدا کرده است. به طور حتم تأثیر چشمگیری در توسعه، در توسعه کشاورزی، در تولید، در اشتغال، در ارتقای شرایط اقتصادی روستا داشته است. موضوعی که همیشه در ذهن من درباره برنامه‌های توسعه کشاورزی وجود داشته که متأسفانه مجبورم به عنوان یک کمبود اساسی از آن نام ببرم این است که حکومت، دولت، مهندسان، مدیران، شبکه‌ها را می‌سازند، آب را به جریان می‌اندازند، آب را سر زمین می‌آورند، کشاورزی هم توسعه پیدا می‌کند، اما یک حلقه مفقوده بسیار بسیار بزرگ در این ماجرا وجود دارد که همیشه مورد غفلت واقع شده، و آن آموزش است. ما آب را با زحمت و با تلاش و صرف هزینه منتقل می‌کنیم، به دست کشاورز می‌رسانیم، ولی به کشاورز آموزش نمی‌دهیم که از این آب چگونه استفاده کند، چگونه استفاده کند که اقتصادی و بهینه باشد. وقتی شما می‌بینید که کشاورز سنتی بدون اینکه آموزشی گرفته باشد، صرفاً بر اساس

سنت و دانش قدیمی خود از آب چگونه استفاده می‌کند و چه بلایی سر آب می‌آورد، واقعاً دل آدم به درد می‌آید. متأسفانه این قضیه اصلاً موضوع بحث مدیران بالادستی و حکمرانان نیست تا مسائل را ریشه‌ای حل کنند. یک مثال می‌زنم. در یکی از پروژه‌ها با بانک جهانی همکاری داشتیم. بانک جهانی از ما خواست حال که شما شبکه را می‌سازید، بروید در گوشه‌ای از این دشت ۲ مزرعه نمونه احداث و با کشاورز کار کنید. یک برنامه ۲-۳ ساله تنظیم کردیم. اول کشاورز را انتخاب کردیم، داوطلب باشد، همکاری کند، و زمین او را آماده کردیم. همه کارهایی را که باید بکنیم تا زمین خوب آب بخورد انجام دادیم و یکی دو سالی هم با او کار کردیم. نتیجه‌ای که به دست آمد این بود که اگر پیش از این مثلاً ۵ تن گندم تولید می‌کرد، الان نیز ۵ تن تولید می‌کند، ولی مصرف آب نصف شده بود، به خصوص در کشت‌های پرمصرف تابستانه ذرت و کنگد و مانند آن. مصرف آب نصف شد بدون اینکه تولید صدمه‌ای ببیند. چه پتانسیل عظیمی در این موضوع نهفته است که تقریباً همه نسبت به آن غافلیم، به خصوص کسانی که باید برنامه‌ریزی کنند و استراتژی تنظیم کنند.

### رئیس‌ی:

در واقع صحبت شما این است که اینها می‌تواند مؤثر باشد، ولی این تأثیر را گذاشته یا نگذاشته؟

### لطفی:

صحبتم این بود که همزمان با احداث شبکه و توزیع آب، ما نیاز داشتیم که فرهنگ‌سازی هم بکنیم، آموزش هم بدهیم و دیگر تسهیلات را در اختیار کشاورز قرار بدیم که بتواند از آب استفاده کند و در مقابل آن هم باید سخت‌گیرهایی را اعمال می‌کردیم که اگر از آب خوب استفاده نشود؛ با چه تنبیهاتی روبرو خواهد شد. ما فقط ساختیم و تحویل کشاورز دادیم. این شیوه به نظر من با اصول اقتصادی که ما داریم صحبت می‌کنیم کاملاً مغایرت دارد، یعنی در واقع اصلاً اقتصادی نیست.

### گریمی‌پور:

مرحوم آقای مهدی آگاه با تحقیق واقعاً وسیعی در کتاب حقوق آب در فلات ایران، چرایی ایجاد این ماجرا را توضیح می‌دهند. اسلام وقتی که از شبه‌جزیره عربستان پا به بیرون می‌گذارد، از یک اکوسیستمی بیرون می‌آید که منابع آب زیرزمینی مورد استفاده نبوده و منابع رواناب‌ها بسیار محدود و فصلی بوده است. به همین علت در جهان‌گشایی‌های اسلامی چه در شرق، چه در غرب، می‌بینیم که به طور معناداری، قوانین حقوقی اسلام در مسئله آب، از تماس ایرانیان و مصریان نتیجه می‌شود که دو تمدن پیشرفته و دارای حقوق و مصارف آب بودند. مخصوصاً از ایران که تمدن متکی بر قنات و کاریز بوده و پیچیدگی‌های نه تنها اقتصادی، و حقوقی در آب داشته،

بلکه پیچیدگی‌های مهندسی شگرفی هم داشته است. آن چیزی که در قانون اسلام اولین بار برای قانون آب شکل می‌گیرد، قاعده حیات است که یک قاعده‌ی هخامنشی تا ساسانیان در ایران است. قاعده حیات می‌گوید که اگر بهره‌بردار، به هر منبع آب موجود برای بهره‌برداری مجاز مراجعه کند، تا حدی که آب را تصرف می‌کند و بهره‌برداری مجاز می‌کند، حقوقش به او تعلق دارد، نفر دوم می‌تواند بیاید از بخشی از آبی که نفر اول استفاده نکرده، استفاده کند، و همین طور نفر سوم، نفر چهارم. اگر بهره‌برداری نفر پنجم منوط بر این شد که حقوق ۴ نفر قبلی تصنیع شود، اجازه استفاده از منابع آب را ندارد. بهره‌بردار تا زمانی که به بهره‌برداری ادامه می‌دهد، حقوق مالکانه بر آب دارد. این قاعده بسیار ساده، امپراتوری بزرگ ایران را در بخش‌های مختلف آن که بیشتر آن در مناطق بیابانی بود، به خوبی قوام داد. اسلام این قاعده را امضا می‌کند، و می‌شود قانون آب در اسلام. اتفاقی که از دهه ۴۰ می‌افتد، اختلال در این قانون است که بعد از انقلاب و در دهه ۶۰ با قانون توزیع عادلانه آب، کلاً این میراث ایرانی را که اسلام هم امضا کرده است و در مقابل آن، سر تعظیم فرود می‌آورد، از بین می‌برد و آب می‌شود ملک دولت و دولت با پروانه‌های کوتاه‌مدت به هرکسی می‌خواهد می‌دهد و از هرکسی هم بخواهد می‌گیرد.

پایه فروریختن تعادل آبی در ایران این است، به علاوه ورود موتور چاه که اجازه می‌دهد از زیر سطح ایستابی دشت اضافه‌بردداشت صورت گیرد. پس اگر از من بپرسید چرا می‌گوئید حاکمیت اجازه استقرار یک اقتصاد آب سالم را در ایران نمی‌دهد: (۱) حاکمیت در قوانین پایه و قواعد بازی اختلالات معنادار ویرانگری ایجاد کرده است. (۲) دولت ناظری دارد به نام وزارت نیرو که غرق ناکارایی، فساد و فریبی است. فکر می‌کنم اداره آب کرمان قبل از انقلاب، یعنی در هنگام انقلاب، کمتر از ۲۰ نفر کارمند داشت. چند سال پیش که در جلسه‌ای بودیم، هزار و اندی کارمند داشت، به همراه ساختمان‌ها، ریخت و پاش‌ها، بودجه‌ها و... یادم هست آقای چیت‌چیان از عده‌ای از جمله من برای تشکیل شورای مشورتی اقتصاد وزارت نیرو دعوت کردند. یکی دو تن از وزرای سابق بودند، بعضی از نماینده‌های مجلس بودند، بعضی از متخصصین و مدیران ارشد وزارتخانه بودند. در ۱۴ جلسه این شورا شرکت کردم. آقایون وزارتخانه اجازه ندادند موضوع بازار آب، نحوه انتقال آب، تبدیل آب به کالا به سرانجام برسد. آقایان دنبال مسئله تعرفه، بودجه‌ها، استفاده از تبصره‌ها برای ستاد وزارتخانه بودند. به آنها گفتم که شما به جای اینکه متولی اقتصاد آب باشید، متولی اقتصاد ستادتون هستید. شب و روز نگران این هستید که حقوق را چطور بدهید، اضافه‌حقوق را چطور بدهید، پول ساختمان‌ها را از کجا فراهم کنید. و (۳) آشفتگی سیاست‌گذاری. از برنامه اول جمهوری اسلامی تا همین برنامه آخر، تکلیف‌های بسیاری برای جبران اضافه‌برداشت داریم. فکر می‌کنم از برنامه سوم به بعد می‌گوید که باید حدود ۴۰ میلیارد مترمکعب بشود،

اکنون اضافه‌برداشت به ۱۲۰ میلیارد متر مکعب رسیده است. هیچ یک از این تکلیف‌ها اجرا نشد، بلکه اضافه‌برداشت ادامه پیدا کرد. هیچ کس در پایان برنامه اول، دوم تا پنجم نرسید که این تکلیف چه شد. در کنار آن تکلیف خودکفایی محصولات اساسی را تعیین کردند که با این تکلیف تضاد معنادار داشت. نه این را اجرا کردند، نه آن را. آقای احمدی نژاد، اگر اشتباه نکنم در سال ۸۶ برای پیش‌زمینه انتخابات بعدی، طرحی به نام فدک آوردند که می‌خواست نزدیک به ۲۸۰ هزار حلقه چاه جدید را ابلاغ کند. بخش خصوصی فعالیت مفصلی کرد و بالاخره به شخص اول مملکت رسید و با دستور ایشان متوقف شد. نکته آخرم همون تذکری است که در ابتدا دادم. مسئله آب در ایران یه مسئله ماتریسی چندوجهی و چندرشته‌ای است، یعنی بدون اینکه کشاورزی، دیپلماسی، محیط‌زیست، صنعت، شرب، و حتی ثبات امنیتی در شرق ایران را در نظر بگیرید، نمی‌توانید درباره آب برنامه‌ریزی کنید. اگر در ایران با این بحران ریشه‌دار و چندجانبه، یک حاکمیت معقول، یک حاکمیت برنامه‌دار، یک حاکمیت مسئولیت‌پذیر شکل نگیرد، گمان نمی‌کنم در مسئله آب بشود قدمی به جلو برداشت، فروپاشی آبی که شروع شده، تداوم خواهد داشت.

## آنگاه:

من سال‌ها است که در ذهن خودم، تا حدود زیادی از حکومت و حاکمیت و دولت قطع امید کردم. فکر می‌کنم مهم‌تر این است که ذهنیت جامعه و مردم نسبت به مسائل درست شود و چنانچه آنها مطالبه صحیح از حاکمیت داشته باشند، شاید تنها راه اصلاح این مملکت چنین مسیری باشد. البته این کار هم خیلی دشوار است، به خصوص در مسائل اقتصادی در یک مملکتی که غرق تبلی و رانت نفت و گاز است. فارغ از اشتباهاتی که دولت و حاکمیت در مدیریت منابع آب و اقتصاد آب مرتکب می‌شود، بخش خصوصی هم متأسفانه در ۹۹ درصد مواقع، ذهنیت‌اش مانند دولتی‌ها است و ذهنیت مبتنی بر علم اقتصاد نداریم. درباره صحبت‌های آقای لطفی و آقای کریمی‌پور توضیحاتی می‌دهم. من اصلاً منکر آموزش خوب نیستم ولی می‌خواهم بگویم که اگر ما دیدگاه بازار آزاد در اداره امور یک جامعه داشته باشیم و به این باور برسیم که این دست کارها از بالا به پائین نمی‌تواند حلال مسائل یک جامعه ۸۰ میلیونی و با روابط خیلی پیچیده و متغیر در طول زمان باشد، به این نتیجه می‌رسیم که آنچه که می‌تواند این مسائل را سر جای خودش بنشانند، صرفاً بازار آزاد است، سود است، منفعت است. اگر آن کشاورز یا هر کس دیگری، ورشکست شود و بیرون برود، و کشاورز دیگری بیاید که بلد است چگونه از این آب، سود بهتری ببرد، اگر ما مبنای تنظیم رفتارهای جامعه را اقتصاد بر مبنای کسب سود بگذاریم، دیگر نیازی نیست که ما نگران این باشیم که برویم آموزش بدهیم. متأسفانه این دیدگاه تمرکزگرایانه در مهندسان و فعالان بخش خصوصی وجود

دارد و همین طور در دولتی‌ها که فکر می‌کنیم اگر برنامه‌ریزی درستی بکنیم و در بستر کار قرار بگیریم، می‌توانیم مملکت را درست کنیم. این تفکر از اساس غلط است. من فکر می‌کنم که مسائل با آموزش، نصیحت، موعظه، درس اخلاق، خواهش، تهدید، بگیر و ببند حل نمی‌شود. بهره‌وری آب با هیچ کدام از اینها درست نمی‌شود. بهره‌وری آب فقط با برقراری نظام بازار آزاد می‌تواند درست شود. در نظام بازار آزاد بدون اینکه کسی محاسبه کند، بدون اینکه مهندسی بیاید و به ما بگوید چه بکنیم چه نکنیم، به طور طبیعی آب صرف تولید کالایی می‌شود که برای مملکت بیشترین سود را حاصل می‌کند. مسئله دوم، تبدیل آب به یک کالای اقتصادی است که این هم خیلی کار دشواری است. مالکیت خصوصی بر منابع آب که یکی از لازمه‌های تبدیل آب به یک کالای اقتصادی است، از بین رفته، و پایه‌های آن خیلی سست شده است، به خصوص در سال‌های اخیر و همین طور امکان مبادله و خرید و فروش آب. من دو مثال می‌زنم شاید خالی از لطف نباشد. ما سند منگوله‌دار قنات داریم و این سند کاملاً از سند باغی که آب این قنات برای آن استحصال شده بود، مجزا است. در قدیم کاملاً اجازه داشتید که سند قنات را مستقلاً خرید و فروش کنید، یا اینکه به ارث می‌رسید. این نشان می‌دهد که در اسلام و عرف تا چه اندازه مالکیت خصوصی بر منابع آب، پایه‌های محکمی داشته و این همان چیزی بوده که باعث می‌شده در قدیم واقعاً بشود درباره اقتصاد آب صحبت کرد و استفاده از آب اقتصادی بوده. نکته‌ی دیگری را هم که می‌خواهم بگویم این است که برای اینکه باغ پسته به نقطه سر به سری برسد، نزدیک به ۱۰ سال زمان می‌برد، یعنی اینکه شما باید پروانه آبی که می‌گیرید، مطمئن باشید که حداقل ۲۰ سال قرار است که از این پروانه بتوانید انتفاع اقتصادی ببرید. برای اینکه در ۱۰ سال اول شما باید برای سرمایه‌گذاری و باغداری، هزینه کنید و خوشبینانه از سال یازدهم شروع کنید منفعتی از این باغ ببرید. چطور می‌توان متصور بود که در این مملکت سرمایه‌گذاری بخواهد رونق بگیرد، در حالی که بنیان مالکیت آب این قدر سست و غیر قابل اتکا است. دو تا مثال هم که چگونه اقتصاد آب می‌تواند در کنترل در اضافه‌برداشت کمک کند: یکی مسئله یارانه‌های انرژی است. در نظر بگیرید که من باغدار پسته دارم، سالیانه در یک باغ پسته به مساحت ۱۰۰ هکتار، نزدیک به ۱ میلیارد تومان یا شاید حتی بیشتر، یارانه انرژی برق می‌گیرم، برای چی؟ برای آنکه سفره آبی را تخلیه می‌کنم، یعنی دولت با مدیریت غلط اقتصادی باعث شده که یکی از ابزارهایی که می‌توانست درصدی از راه‌حل کنترل اضافه‌برداشت باشد، از دست خودش گرفته و اون هدای یارانه‌های انرژی است. مثال دوم هم این است که یکی از راه‌ها این بود که دولت پروانه‌های زیاده از حد را که در خیلی از دشت‌ها صادر کرده، از مردم بازخرد کند و چاه‌ها را ببندد. اگر بازار آب برای خرید و فروش پروانه‌های آب وجود داشته باشد، این کار به راحتی در بستر بازار آب می‌تواند

صورت بگیرد، در صورتی که اگر شما این آب را یک کالای اقتصادی نکنید، پروانه آب را کالای اقتصادی نکنید، راه حلی که اقتصاد آب می‌تواند داشته باشد، از دست می‌دهید.

### کریمی‌پور:

مثالی از کالیفرنیا می‌زنم. غالب آب مصرفی در کالیفرنیا از شبکه‌های آبیاری است که از سد هایی در مناطق دوردست تأمین می‌شود. این شبکه‌ها حاصل سرمایه‌گذاری‌های کاربران است، بعضی اوقات در شکل پروژه‌های فدرال، بعضی اوقات در شکل پروژه‌های ایالتی. برای سد و شبکه، اجازه بهره‌برداری دارند. کشاورزان بزرگ و حتی شهرها و حتی صنایع، از آب‌های این کانال‌ها سهم دارند که بسته به سال پراب یا سال کم‌آب محاسبه می‌شود. کشاورز به ازای هر متر مکعب، بین ۱ تا ۱/۵ سنت به شبکه و مدیریت می‌دهد: در یک کشاورزی پیشرفته با دسترسی بهینه به بازار دنیا و بازار پر مصرف خود امریکا. در فلوریدا، آب شیرین‌کن‌ها که برای صنعت کار می‌کنند، تقریباً آب بین بیست و دو تا سی سنت، بسته به تکنولوژی در هر متر مکعب فروخته می‌شود. بنابراین آب صنعتی، آب گرانی است و برای کشاورزی، مگر در شرایط خاصی مانند گلخانه‌های خیلی پیشرفته نزدیک بازارهای پر مصرف مانند گلخانه‌هایی که در جزایر قناری است، اصلاً توجه اقتصادی ندارد. پروژه‌ای را در ایران مثال می‌زنم. پروژه آب شیرین‌کن بندر عباس که سه مجموعه صنعتی بزرگ راه‌اندازی کردند و قرار است یک میلیون متر مکعب در روز آب را در بندرعباس شیرین کند، و به نقاط مصرف بزرگ صنعتی یعنی گل‌گهر و چادرمولو برساند. تقریباً در خود بندرعباس، این آب حدود ۳۰ سنت در متر مکعب فروخته می‌شود، اما وقتی که به اولین محل مصرف در گل‌گهر می‌رسد، این آب تقریباً حدود ۱ دلار ارزش پیدا می‌کند، چرا؟ به خاطر اینکه اگر چه در تکنولوژی‌های خیلی روز، آب بیست و سه، بیست و چهار سنت در کارخانه می‌تواند فروخته شود، اما هر ۱۰۰ کیلومتر انتقال آب در دشت مسطح با لحاظ استهلاک سرمایه حدوداً ۴ تا ۵ سنت هزینه دارد. این یک نکته که کشاورزی نسبت به قیمت آب بسیار حساس است. همین آبی که به گل‌گهر می‌رسد، در ۲۰۰ کیلومتری این محل مصرف منطقه‌ای است به نام بردسیر که حدود ۲۰۰ میلیون متر مکعب در سال مجوز برداشت دارند، حال چقدر بیشتر برداشت می‌کنند بماند. اینها با این آب در منطقه‌ای نه چندان مطلوب برای زراعت، با خاک نه چندان مطلوب، غلات بیابانی می‌کارند و تقریباً از هر متر مکعب آب، کمتر از ۲۰۰۰ تومان ارزش افزوده ایجاد می‌کنند. در حالی که اگر این آب با هزینه بسیار کم به طور ثقلی به گل‌گهر بیاید، اگر ۷۰ سنت هم به گل‌گهر بفروشند، گل‌گهر تمام آن را می‌خرد. این طرحی بود که از ۲۰ سال پیش داده شد که گل‌گهر بیاید با بردسیر پروژه تعریف کند: صاحبان چاه بردسیر بیایند در کنسرسیومی، چاه‌هایشان را

بگذارند، و آب را به گل‌گهر بدهند، ۵۰ درصد پول این آب را دریافت کنند، ۵ برابر بهتر از زراعت امروزشان زندگی کنند، ۵۰ درصد هم به کنسرسیوم تعلق می‌گیرد و برای توسعه آینده بردسیر استفاده شود. وزارت نیرو اصرار داشت که این آب باید برود برای کشت و کار، گل‌گهر هم برود از هر جا دوست دارد آب بیاورد. وزارت نیرو مادر مشکلات است. وزارت نیرو انگار دارد ناموس خانوادگی‌اش را می‌فروشد اگر اجازه بدهد آبی از یک محل به محل دیگر برود و ۱۰ برابر ارزش افزوده ایجاد کند و مردم را هم تا ابد خوشبخت و ثروتمند کند. بخش خصوصی بعد از انقلاب به شدت تضعیف شده است. در ۲۰ سال گذشته هم با اتکا به قانون خصوصی سازی، باز هم به نفع اختاپوس‌های خصوصی موجود ضعیف شده است. در مسئله بهره‌وری و نیز در مسئله اضافه‌برداشت، هر اتفاقی که بیفتد در کشاورزی باید بیفتد. در دنیا به طور متوسط ۷۰ درصد آب مصرفی به کشاورزی می‌رود، در ایران حدود ۹۰ درصد. در کشوری که امروز پتانسیل‌اش ۱۰۰ میلیارد متر مکعب است و نزدیک به همه آن را مصرف می‌کند، یک فاجعه است، چون مصرف بالای ۴۰ درصد به معنی به هم‌زدن تعادل محیط‌زیست و پتانسیل تولید آب است. اگر بخواهید در بهره‌وری کاری بکنید، در کشاورزی است که به طور سنتی هدررفت آب زیادی دارد و اگر بخواهید در کشاورزی اصلاحی ایجاد کنید، نمی‌توانید به جمعیت فقیر فلک‌زده کشاورز کاری نداشته باشید. بازار آب پاسخ به این است که برای آبی که کشاورز امروز با آن دخل و خرجش نمی‌خواند، محل‌های مصرفی ایجاد بشود تا کشاورز توانمندتر و ثروتمندتر شود و مجموعه‌های کشاورز در موقعیت سرمایه‌گذاری قرار بگیرند.

### آگاه:

چه لزومی دارد اگر که من کشاورز یا مملکت، کالایی را از رقیب‌مان در امریکا یا در تایلند یا هر جای دیگر دنیا، بسیار گران‌تر تولید می‌کند، ما به این کار ادامه بدهیم. اگر من باغدار پسته رفسنجانی نمی‌توانم با قیمت تمام‌شده پسته آمریکایی تولید کنم، چه اصراری است که منابع آب کشور یا هر نهاد دیگر را تلف کنم. در این اقتصاد آزاد، دیدگاه ترحم‌آمیز خیلی جا ندارد. البته یکی از وظایف دولت‌ها، ثروتمندان این است که به فکر فقرای جامعه باشند. من تصورم این است که صنعت توریسم، صنعت کشاورزی همچنان در ایران رقابتی باقی خواهد ماند، در صورت آزادسازی قیمت‌ها در اقتصاد ایران. اتفاقاً بر خلاف نظر قاطبه جامعه که فکر می‌کنند که اگر نهاده‌ها و سرمایه‌ها سمت صنعت برود، این آینده اقتصاد مملکت خوب است، بله، به هر حال بخشی از این نهاده‌ها و امکانات مملکت صرف صنعت قطعاً خواهد شد، ولی شکل آن صنایع با صنایعی که امروز وجود دارد، از زمین تا آسمان متفاوت خواهد بود. اگر ما صرفاً رفیق بازار آب را آزاد کردیم و دولت مداخله کرد، اینگونه نیست که تخصیص بهینه آب که هدف غائی علم

اقتصاد است محقق نشود، یعنی شما اگر یارانه انرژی خیلی سنگین بدهید، خود این باعث می‌شود که آب صرف تولید فولادی بشود که این تکنولوژی فولادی که در ایران استفاده می‌شود در هیچ کجای دنیا استفاده نمی‌شود و اصلاً مقرون به صرفه نیست و روش ضرردهی است. توجیه کارخانه‌های تولید فولاد چیست؟ رانت عظیمی است که به جیب سهام‌داران این کارخانه‌ها که عمدتاً هم دولتی و شبه‌دولتی و خصولتی هستند می‌رود و ثروت مملکت به جای فقرای مملکت، به جیب سهام‌داران گردن‌کلفت کارخانه‌های فولاد یا پتروشیمی یا مس یا... می‌رود. امروز گاز را می‌توانند به تخمین من حدود ۳۰ سنت به عراق صادر کنند، و این در حالی است که گاز را به قیمت ۱/۵ سنت به کارخانه‌های فولاد تحویل می‌دهند. بعد می‌گویند که این کارخانه‌ها برایشان به صرفه است بروند آب از خلیج فارس بیاورند، به صرفه است آب از کشاورز گرفته شود، در رقابت با کشاورز پیروز هستند. اگر اقتصاد آزاد بود، اصلاً این کارخانه‌ها شکل نمی‌گرفتند. امروز هم پیشرفت مملکت در این است که قیمت‌ها آزاد شود و این کارخانه‌ها ورشکست بشوند و کنار گذاشته شوند. اینکه چگونه با عواقب اجتماعی آن کنار بیاییم و آن را حل کنیم، سؤال اقتصادی دیگری است که در جای خود و با تکنیک‌های خودش باید به آنها پرداخت. ولی شما نمی‌توانید چند ده سال سرمایه‌های مملکت را به فنا و نابودی بدهید به خاطر اینکه عده‌ای رانت‌خواری می‌کنند، در پوشش این شعار که اشتغال ایجاد کردیم برای محرومان. گفته شد چون کشاورزی بیش از ۸۰ درصد آب را استفاده می‌کند، هر اتفاقی بخواهد برای جلوگیری از اضافه‌برداشت بیفتد باید در کشاورزی باشد. اینکه در عمل چنین است قبول دارم، ولی حرفم این است که ما چکاره هستیم که این تصمیم را بگیریم؟ این تصمیم از دل بازار آزاد بیرون می‌آید، یعنی وقتی که بازار آزاد ایجاد شد. در این شرایط شاید تولید گیلاس صرفه داشته باشد، شاید توریسم صرفه داشته باشد، یا هر چیز دیگر. ولی این پاسخ نیست که مهندسان یا مدیران یا دولتیان در اتاق در بسته بنشینند و محاسبه کنند که اگر این کار بشود، وضعیت تخصیص آب در مملکت بهینه می‌شود. پاسخ باید از دل ساز و کار قیمت‌های آزاد در بازار آزاد بیرون بیاید. مشکلات حکمرانی در اثر طرز فکر غلط ما مردم به وجود آمده که منشأ آن هم ثروت نفت و گاز مفت است. شروع خرابی اقتصاد ایران از اوایل دهه ۵۰ اتفاق افتاد، نه بعد از انقلاب. بعد از انقلاب همان منش غلط ادامه داده شد و به خاطر این بود که ما مردم حکومتی را می‌خواهیم که پول مفت نفت و گاز را به جیب ما بریزد، نه اینکه مملکت بر اساس اقتصاد درست اداره شود.

### کریمی‌پور:

زمانی در اتاق بازرگانی که وضعیت دریاچه ارومیه اینقدر وخیم نشده بود، این سؤال را روی میز گذاشتیم که دریاچه ارومیه به علت چقدر ایجاد منفعت به این روز افتاد و در حقیقت مانند

دریاچه آرال شود، یعنی دریاچه خشکی بشود که خشکی بیشتر بستر را بگیرد و سال‌ها ادامه پیدا کند و توده نمکی دچار فرسایش فیزیکی شود و قابلیت جابجایی در اثر باد را پیدا کند. به نظر می‌رسید در حوضه دریاچه ارومیه افزایش سطح زیر کشت حدوداً ۲۰۰ میلیون دلار در سال محصول بیشتر ایجاد کرد که اگه ۵۰ درصد این رو ارزش افزوده آب فرض کنیم که خیلی دست بالا است، ۱۰۰ میلیون دلار در سال برای کشتن دریاچه ارومیه در جیب‌مان گذاشتیم، جیب کشاورز گذاشتیم، جیب دولت گذاشتیم، جیب صادرات. در جیب خانواده ایرانی ۱۰۰ میلیون دلار گذاشتیم که این خانم نجیب پربرکت باستانی به نام دریاچه ارومیه را بکشیم و با هم بخوریم. اگر ۳۰ سال را در نظر بگیریم، ما ۳ میلیارد دلار زددیدیم. در آن زمان، سه مرحله یعنی سه سناریوی حمله دریاچه را در نظر گرفتیم. دریاچه هنوز در مرحله پیش‌از حمله است. در مرحله اول حمله دریاچه که در حقیقت به گستره تقریباً ۸-۷ میلیون نفری بسیار نزدیک خودش حمله خواهد کرد و با پراکنش نمک ریز در ابعاد خیلی بزرگ، میلیون‌ها تن، در حقیقت حیات انسانی، حیوانی و گیاهی منطقه را نابود می‌کند. در آرال مناطق بسیار زیبا و زیستگاه‌های تاریخی بشر را به برهوت تبدیل کردند که شبیه انفجارات اتمی است. عرض می‌کنم خدمتتون در مرحله آخر که گستره ۵۰ میلیون نفری از زنجان تا بخش‌هایی از ترکیه و کردستان عراق مورد حمله قرار می‌گیرد. مداخلات بشر در محیط‌زیست که تعادلات کلان محیط‌زیست را به هم می‌ریزد، هیچ تناسبی میان نفعی که بشر از مداخله می‌برد و صورتحسابی که طبیعت به دستش می‌دهد نیست. در علم اقتصاد رویکردی داریم که شاید کمتر از ربع قرن سابقه داشته باشد و اقتصاد سبز نامیده می‌شود. کشورهای پیشرفته معتقدند که رویکرد حفظ محیط‌زیست نه تنها این صورتحساب‌های تحمیلی محیط‌زیست را که ویرانگر است، از روی میز ملتها برمی‌دارد و اجازه می‌دهد ملت‌ها به حیات‌شان تداوم دهند، اجازه می‌دهد زیستگاه‌های بشر همچنان زیستگاه بماند و تبدیل به بیابان و در حقیقت زمین سوخته نشود. این رویکرد فرصت‌های بشر را مثلاً در گردشگری حفظ می‌کند و همچنین شغل‌های فراوان جدیدی را ایجاد می‌کند. به نظر من این طبیعت تجارت است، تاجر غالباً بر اساس منفعت خودش به این میل می‌کند که به منفعت کوتاه‌مدت خود نگاه کند. کاسب و تاجر در ایران همین است، در امریکا همین است، در فرانسه هم همین است. فضا باید این‌گونه باشد که حاکمیت، قواعد محیط‌زیستی را تعریف و از آن محافظت کند. شما در کشورهای پیشرفته هم می‌بینید، مدعی‌العموم درباره محیط‌زیست، حکومت و قواعد و سازمان‌های محیط‌زیست سخت‌گیر و البته افکار عمومی مسلح به سازمان‌های غیر دولتی و آکادمی‌ها است که بر اساس پژوهش و اعداد و ارقام، مطالبه ملی سنگین ایجاد می‌کنند. من اقتصاددان نیستم، ولی چیزی که از اقتصاددانان می‌خوانیم و کشورهای پیشرفته را می‌بینیم، بازگشت به محیط، در حقیقت

رویکرد اقتصاد سبز، رویکرد محافظت از محیط‌زیست از جمله منابع آب است که منافع آن در درازمدت به مراتب بیشتر از ضرر آن است، و توسعه بازار و توسعه فرصت‌های اشتغال آن ارقام قابل توجهی است.

## آگاه:

من با جزئیات اقتصاد سبز آشنا نیستم. آقای مهندس لطفی هم در صحبت‌هایشان به بحث‌های مشارکتی اشاره داشتند. این ایده‌هایی را که مطرح شد می‌خواهم کنار هم بگذارم و دیدگاهم را نسبت به این مسائل بگویم. بخش‌هایی از مسئله اضافه‌برداشت به مسئله محیط‌زیست بر می‌گردد که شاید اقتصاد راه‌حل کاملی برای حل آنها نداشته باشد. علی‌رغم که اینکه به یک دولت حداقلی اعتقاد دارم، ولی اعتقاد دارم که برای حفظ محیط‌زیست، قوه قهریه لازم است، به دولت نیاز است، نیروی انتظامی لازم است، دادگاه لازم است. در مورد اینکه دولت باید از ساز و کار مشارکتی استفاده می‌کرد و پای خود مردم را برای حل مسئله اضافه‌برداشت وسط می‌کشید، به نظر من به این شکل شدنی نیست. شاید ۴۰ درصد اضافه‌برداشت را بتوان در داخل اقتصاد، در اقناع مردم، صحبت با مردم، صحبت با بهره‌برداران، تشکیل جلسات برای اینکه خودشان به راه‌حل‌های منطقی‌تری برسند که چگونه در جهت جلوگیری از صدمه به محیط‌زیست و تخریب منابع مشترک عمل کنند جستجو کرد، ولی به هر حال آدم تقلب‌کار و سوء استفاده‌گر وجود دارد و برای جلوگیری از آنها چاره‌ای نداریم جز آنکه پای حکومت و دولت را وسط بیاوریم. درست است که ایده‌های اقتصادی مثل اقتصاد سبز یا ایده‌های مشارکتی می‌تواند بخشی راه‌حل جلوگیری از اضافه‌برداشت باشد، ولی به هیچ وجه نیاز به قوه قهریه، قوه قضائیه و دولت را برای اعمال قوه قهریه و ایجاد نظم و نسق برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست یا از بین بردن منابع آب پر نمی‌کند. نقل و قولی می‌کنم از آقای دکتر پویا ناظران که در یکی از توضیحات خود درباره علم اقتصاد می‌گویند که بیشتر وقت دانشکده‌های علم اقتصاد صرف این می‌شود که بگویند در مواردی که اقتصاد بازار به شکست می‌انجامد، چگونه راه‌حلی پیدا کنند که بتوانند از شکست بازار جلوگیری کنند. ولی ما در ایران، این ایده شکست بازار را می‌گیریم و کل علم اقتصاد و بازار آزاد را زیر سوال می‌بریم.

## کریمی‌پور:

به قول جودوکارها اگر سؤال این باشد که کجای لباس حریف را بگیریم، باید از حاکمیت شروع شود. حتی اگر بخواهیم رؤیای آقای آگاه را در نظر بگیریم، خیلی دور از فضا است و با این حاکمیت مداخله‌گر چنین حرکتی فعلاً تصورناپذیر است. اگر ما بخواهیم کمی از واقعیت موجود سیاسی کشور جدا کنیم و از آرزوهایمان را بگوئیم، عبارت خواهد بود از ظهور یک حاکمیت حرفه‌ای و مسئول و بلافاصله بعد از آن، بازتعریف سیاست‌های

بالادستی با نگاه ماتریسی به مشکلات کشور و واقع‌گرایانه، و کاهش تنش‌های خارجی برای اینکه دولت بتواند قوایش را بر حل معضلات و چالش‌های بزرگ داخل کشور متمرکز کند. اگر چنین حاکمیتی شکل بگیرد، مسئله آب و محیط‌زیست جزو ۲-۳ مسئله‌ای است که کشور باید ۲۰-۱۵ سال بر آن تمرکز کند تا به تعادل برساند. قواعد ملی هم دوباره باید تعریف شود، آب دارای مالکیت شود، و حیات، میراث تاریخی ایرانی-اسلامی به جایگاه خود بازگردد، آب به عنوان یک کالا دارای بازار و قابل تبادل شود. کشورهایی که مشکل ما را داشتند، برای حل آن، کنترل‌ها را به تشکل‌های کاربران سپردند که به طور معناداری می‌تواند وضعیت را بهبود بدهد، چون رفتار اقتصادی جمع، از رفتار اقتصادی فردی در منابع محدود، بهینه‌تر است. کار بسیار دشوار و بزرگ و پرهزینه و سختی روبروی ما است. اگر بخواهیم مصرف نزدیک به ۱۰۰ میلیارد متر مکعب را تقریباً به ۶۵-۶۰ میلیارد متر مکعب برسانیم، در تاریخ مدرن، ملتی را سراغ نداریم که توانسته باشد چنین اصلاحاتی را انجام دهد.

## آگاه:

اعوجاج قیمت سایر کالاها مانع از تخصیص بهینه آب هم می‌شود، حتی اگر شما در آب، یک بازار آزاد ایجاد کنید ولی در انرژی قیمت‌های دستوری را به اقتصاد دیکته کنید، می‌تواند باعث اسراف در آب شود. برای همین است که اگر اقتصاد آب را به ایجاد بازار آزاد در همه کالاها ترغیب کنیم، فکر می‌کنم می‌تواند مسئله‌ی بهره‌وری آب را به طور کامل حل کند. بنابراین اقتصاد آب می‌تواند ابزار قدرتمندی باشد. آقای کریمی‌پور به طور مفصل توضیح دادند که لازمه‌های ایجاد بازار آزاد چیست. مشکل‌ترین آن این است که آب به یه کالای اقتصادی تبدیل شود. البته این هم مقدماتی دارد. به نظر من از طریق آگاه‌سازی مردم و خواسته‌های مردم، حکمرانی خوب حاصل خواهد شد. برای همین است که در سال‌های اخیر، رسالت اجتماعی خودم را تلاش در جهت تشکیل خواسته‌ها در ذهن مردم تعریف کردم تا بتواند به حکمرانی بهتر برای آینده مملکت منجر بشود. چنانچه بازار آزاد تشکیل بشود، اصلاً نیازی به خیلی از این کارهایی که امروز دولت انجام می‌دهد دیگر نیاز نیست. اگر بازار آزاد شکل بگیرد، نیاز به حکمرانی خوب خیلی کاهش پیدا می‌کند. دیگر به حکومت احتیاج ندارید که آب را از خلیج فارس منتقل کند.

## کریمی‌پور:

آقای عجم‌اوغلو در کتاب ملت‌ها چگونه شکست می‌خورند، مقایسه‌ای می‌کند میان مکزیک و امریکا و می‌پرسد چرا امریکا توسعه پیدا کرد و مکزیک توسعه پیدا نکرد. ایجاد بازار آزاد یک اتفاق طبیعی نیست، اتفاقی است که نهادها به آن شکل می‌دهند. اگر ملت‌ها نتوانند نهادهایی بسازند، از جمله حکومت که ایجاد و بالندگی، دموکراسی یا بازار آزاد

جدید را تضمین کند، در واقع بر سر دو راهی قرار می‌گیرند که یا مکزیکی می‌شوند که نتوانسته بسازد، یا می‌شوند امریکا که نتوانسته بسازد. تمام نکته اینجا است، نه تنها در مشکل آب، در همه مشکلات دیگر که فقط نفی یک حکومت بد ضامن آینده نیست، چیزی که ضامن آینده است، ایجاد نهادهای ملی تضمین‌کننده یه حکومت خوب است. بنیاد آن هم مردمی هستند که درست فکر بکنند، درست ارزش‌ها را بشناسند و از این نهادها با جان و مال و خون و زندگی‌شان حمایت کنند تا نهادها ضامن بقای حکومت خوب باشند.

### رئیس‌ی:

سؤال شده است چه عواملی می‌توانند قیمت آزاد آب را تعیین کنند و به چه نحوی و به عبارت بهتر، ساز و کار تعیین قیمت آزاد آب چیست؟

### آگاه:

قیمتی که در بازار شکل می‌گیرد، لزوماً هیچ ارتباطی با قیمت تمام‌شده تولید یک کالا ندارد، بلکه ناشی از مقدار عرضه و تقاضا است. فرض کنید من پسته تولید کردم با هزینه خیلی زیاد، در بازار مشتری ندارم، پس آنقدر قیمت را پائین می‌آورم، حتی از قیمت تمام‌شده هم پائین‌تر، برای اینکه همین مقدار پولی که دستم را می‌گیرد، بخشی از هزینه‌ها را می‌تواند جبران کند. برای همین است که قیمت بازار ناشی از مقدار عرضه و تقاضای بازار است و هیچ فرمولی نمی‌توان برای آن پیدا کرد که اگر عوامل یا هزینه‌های تولید، چنین و چنان بود، پس قیمت آب باید اینجا قرار بگیرد. مثالی می‌زنم. همین الان در رفسنجان، بازار غیر رسمی خرید و فروش آب وجود دارد، علی‌رغم اینکه وزارت نیرو و وزارت کشاورزی به رسمیت نمی‌شناسند. مثلاً یک چاه ۳۰ لیتر بر ثانیه است که هر ساعت آب این چاه از طریق خط لوله یا کانال به باغ خریدار انتقال داده و به ازای هر ساعت، ۲۰۰ هزار تومان پرداخت می‌شود. حتی بازار غیر رسمی برای خرید و فروش مالکیت آب وجود دارد، علی‌رغم اینکه قانون به رسمیت نمی‌شناسد و این لزوماً نه ربطی به قیمت تمام‌شده آن آب دارد و نه ربطی به قیمت برق چاه دارد، و نه به هیچ چیز دیگر. صرفاً عرضه و تقاضا است، به خصوص چون در این مناطق کمبود آب شدید است، قیمت‌ها بسیار بالا است.

### اسفندیاری:

موضوع، موضوع بسیار دشواری است، چون بحث ساز و کارهای بازار برای بهبود شیوه‌های حکمرانی به طور کلی بحث خیلی جاافتاده‌ای است، ولی در حوزه آب با چالش‌ها و مشکلات زیادی روبرو است و مختص کشور ما هم نیست، به این دلیل که کلاً بیشتر اقتصاددانان می‌پذیرند که آب یک کالای عادی مثل نان و اتومبیل نیست، و حتی نسبت به زیربناهایی مانند انرژی و حمل و نقل، دشواری‌های بیشتری وجود دارد.

در مورد آب کشاورزی هم نسبت به آب شهری این دشواری‌ها باز هم بیشتر است، بنابراین می‌دانیم که وارد حوزه بسیار پردردسری شدیم، ولی موضوع این است که چاره چیست و باید توازنی در نظام حکمرانی به وجود بیاید، و بحث بازار به عنوان یک مکانیسم در حکمرانی در کنار بحث شبکه و بحث نظارت و کنترل مطرح می‌شود. بحثی که اینجا مطرح شد، بیشتر به رابطه دولت و بخش خصوصی پرداخت. بد نیست که اینجا یادآوری کنم که ما یک مکانیسم دیگری هم داریم و رابطه آن را با بازار چگونه می‌بینیم. اگر بخواهیم از آن مکانیسم استفاده کنیم، سؤال این است که موازنه حق و تکلیف چگونه است؟ به قول آقای محمدعلی موحد، هر زمان بحث حق مطرح می‌شود، ما فراموش می‌کنیم که تکلیف نیز در کنار آن مطرح است. به نظر من موازنه حق و تکلیف به طرح مسئله کمک می‌کند، چون ما هنوز نتوانستیم در این جلسه به این مسئله پردازیم که توسعه مکانیسم‌های بازار در آب چیست و چرا این اتفاق نمی‌افتد. من فکر می‌کنم یکی از زاویه‌هایی که می‌تواند به طرح مسئله کمک بکند، همین مسئله موازنه حق و تکلیف است. همان‌گونه که گفته شد، ماتریسی داریم که در این ماتریس به بازار احتیاج داریم، اتفاقاً دیدن بازار در این ماتریس خیلی مهم است، چگونه بین هدف‌های مختلف در نظام حکمرانی، مبادله ایجاد کنیم، چون اساس بازار، مبادله است، یعنی جامعه می‌خواهد مبادله انجام بدهد، دولت نمی‌گذارد، در صورتی که خودش پنهانی این کار را به صورت غیر رسمی می‌کند. نیاز به مبادله موتور بازار است. این مبادله در هدف‌ها هم هست، یعنی ما چگونه بین هدف خودکفایی و هدف کارآیی، مبادله ایجاد کنیم، اگر بخواهیم هزینه‌ای را بپذیریم اولاً شفافش کنیم و بعد هم به آن قدر مطلق ندهیم، یعنی وارد دنیای واقعی کنیم و داد و ستد بین هدف‌ها ایجاد کنیم. بحث بازار در اقتصاد میانی و اقتصاد کلان نیز مطرح است که این مبادله چگونه بین هدف‌ها، بین بخش‌های مختلف و بین آحاد مردم صورت گیرد.

### رئیس‌ی:

سؤال شده است که شما فقط ایراداتی برای دولت و حکمرانی برشمردید، ولی راه‌حل و پیشنهادی ندادید. درست است که حاکمیت نقش پررنگی در این بحران‌ها دارد ولی نقش مردم و ذینفعان چه می‌شود؟

### کریمی‌پور:

تجربه ۱۵ سال اخیر و چیزی که آموختم و فکر کردم و دیدم، من را به اینجا رسانده است که که نقطه عزیمت همین است. درست است که حکومت‌ها به هر حال برون‌داد ملت‌ها هستند، اما می‌خواهم بگویم که در اینجا تأثیر و تأثر وجود دارد. شما به ملت آلمان نگاه بکنید. ملت آلمان در دوره‌ای با تمام قوا گور خود را می‌کند، و بعد شروع به بازسازی با دست خالی می‌کند که حیرت دنیا را برانگیخت. بعضی صنایع آلمان کمتر از شاید



۱۰ سال، به نزدیک امریکایی‌ها رسیدند یا امریکایی‌ها را پشت سر گذاشتند. این ملت همان ملتی است که در تشکیل حکومت نازی مقصر بوده است و بعد از آن اشتباه به فکر اصلاح افتادند. حتماً می‌شود در بخش‌های میانی و بخش‌های حتی فردی و در مقیاس مزرعه یا منطقه کارهای خوبی کرد. اگر همین دولت‌های نامسئول هم بروند به طرف تشکیل بازارهای آب، قدرت‌دادن به تشکل‌های کاربران، در حقیقت وضعیت بهبود خواهد پیدا کرد، اما من معتقدم ترس از تشکل‌های کاربران و در حقیقت طمع این است که آب مثل بقیه منابع کشور در دست مدیری باشد که با امضاء، بالا و پایین کند و ثروت را جابجا کند. یعنی این طور نیست که مثلاً دولت یا مجلس نداند که این کار بهبود می‌دهد، اما ملاحظه دارد که اگر من چنین کاری بکنم، اختیار را از دست می‌دهم، ترجیح می‌دهد اختیار را داشته باشد، ولو منابع به نابودی کشانده شود. حتماً در بخش بنگاهی، حتماً در بخش محلی کارهای خوبی می‌توان کرد. منظورم این است که به این کارها باید پایان بدهیم، چون کاری است که از ما بر می‌آید، اما باید یادمان باشد تا وقتی حکمرانی بد است، از هر ۱۰۰ گالن آبی که در این استخر می‌ریزیم، ۹۸ گالن از دست می‌رود.

پایان